

آسیب‌شناسی فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم استان ایلام

■ سید علی موسوی*

■ عارف پیرانی**

■ حسن مؤمنی***

چکیده:

همگام با تغییرات نظام آموزشی کشورمان در سالیان اخیر، موضوع هدایت تحصیلی نیز دچار تغییراتی شد که برخی چالش‌ها و آسیب‌ها را در پی داشته است. در همین راستا، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی آسیب‌شناسی فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم استان ایلام در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. با بهره‌جستن از ابزارهای کیفی و کمی، مطالعه حاضر از نوع روش تلفیقی بود. در بخش کیفی، تحلیل مضمون مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته‌ای با دانش‌آموزان، اولیا و مشاوران، تا حصول اشباع نظری تا ۲۷ مصاحبه انجام شد. روش نمونه‌گیری به‌کاررفته از نوع هدفمند بوده و یافته‌ها توسط دیدگاه مشارکت‌کنندگان اعتباریابی شده‌اند. تجزیه و تحلیل کدها به ۴۴ کد مفهومی ذیل آسیب‌شناسی موضوع منجر شد که در هشت مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند: «چالش‌های بنیادین انتخاب، باورهای خاص اولیا، برگه‌های نمادین، ملاک عینی انتخاب، بی‌ملاحظگی و رفع تکلیف، عملکرد مشاور از باور تا ناباوری، نارسایی الکترونیکی و القانات ناهمگون». بخش کمی نیز شامل ۴۰۰ دانش‌آموز بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه نیز بر اساس یافته‌های کیفی تدوین و اعتبار آن با تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان داد، از بین آسیب‌های هشتگانه مستخرج کیفی، چالش‌های انتخاب رشته از دیدگاه دانش‌آموزان مهم‌ترین آسیب بود. همچنین، نتایج آزمون من-ویننی برای تعیین ملاک اصلی در کسب رشته، حاکی از این بود که دانش‌آموزان نمرات کارنامه را اصلی‌ترین معیار برای کسب رشته دلخواه دانسته‌اند.

کلید واژه‌ها:

هدایت تحصیلی، آسیب‌شناسی، روش تلفیقی، مشاوران

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۲۹

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۸/۹/۱۳

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۴/۱۹

* دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد واحد اراک، اراک، ایران، (نویسنده مسئول).....salimooosavi51@yahoo.com
** دکترای روانشناسی و عضو هیئت علمی پردیس فرهنگیانa.pirani90@gmail.com
*** کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی تهران، ایران.....hasan1841@gmail.com
این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی تحت همین عنوان و با حمایت مالی معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام انجام گرفته است.

■ شماره ۷۵
■ سال نوزدهم
■ پاییز ۱۳۹۹

۱۲۲

مقدمه

هر دوره از تحصیل دانش‌آموزان از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین آن‌ها دوره متوسطه است، زیرا در این دوره دانش‌آموزان باید نخستین و شاید مهم‌ترین انتخاب‌های دوران زندگی خود را رقم بزنند؛ انتخابی که می‌تواند موفقیت‌های زندگی و تحصیلی بعدی آن‌ها را پایه‌ریزی کند.

در ایران، ایجاد دوره متوسطه به سال ۱۲۲۸ شمسی مربوط می‌شود که مدرسه دارالفنون توسط امیرکبیر تأسیس شد (مرادی و اخوان تفتی، ۱۳۹۲). از زمان آغاز تأسیس مدرسه‌ها در ایران، دوره متوسطه همواره دستخوش تغییراتی بوده است که آخرین آن مربوط به سال ۱۳۹۰ و طرح تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش و اجرای آن به شیوه جدید است. در آخرین این تحولات، تغییرات زیادی از جمله تغییر محتوای کتاب‌ها، تغییر رویه آموزش و تدریس به دانش‌آموزان و مهم‌تر از همه تغییر دستگاه‌های آموزشی سابق به نظام جدید ۶-۳-۳ رخ داده است. در نظام قبلی، دانش‌آموز در پایه دهم انتخاب رشته می‌کرد، اما اکنون در پایان پایه نهم باید رشته خود را تعیین کند (وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). مقصود از هدایت تحصیلی در دوره متوسطه، هدایت دانش‌آموزان به مناسب‌ترین شاخه یا رشته تحصیلی بر اساس استعداد و علاقه آنان و به تناسب امکانات و نیازهای کشور است؛ فرایندی که به واسطه آن مربی و مشاور با دانش‌آموز تعامل برقرار می‌کند تا بتواند در انتخاب رشته مورد نظر به بهترین وجه به دانش‌آموز کمک کند (اونز، ۲۰۱۵).

اهمیت هدایت تحصیلی در این امر نهفته است که چنانچه هدایت تحصیلی دانش‌آموز صحیح صورت نگیرد، ممکن است از یک طرف موجب سرخوردگی دانش‌آموز، عملکرد ضعیف، بازگشت و تغییر مدام رشته و حتی در نهایت ترک تحصیل شود. از سوی دیگر، سرمایه‌های انسانی جامعه رو به فرسودگی می‌روند. بنابراین، اهمیت هدایت تحصیلی بسیار زیاد است و در واقع ماحصل یک دوره تحصیلی ۹ ساله است که اگر متناسب با انگیزه و استعدادها، دانش‌آموزان صورت نگیرد، تبعات منفی زیادی از حیث اقتصادی، اجتماعی، افت علمی کشور، زوال منابع اقتصادی و انسانی، بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی دانش‌آموز در رابطه با مسائل فردی و اجتماعی به همراه دارد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). هدایت تحصیلی در رشد و بهبود مهارت‌های شناختی و رشد اخلاقی فرد در آینده اثرگذار خواهد بود (کروکستون، ۱۹۷۲). این انتخاب کل زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج تحقیقات زیادی، برای مثال یانگ-جونز، بورت، دایکسون و هاوثورن^۳ (۲۰۱۳) «ارتباط هدایت تحصیلی و موفقیت تحصیلی»، اریچ و رأس-ایفت^۴ (۲۰۱۲) «برنامه‌ریزی موفق و هدایت تحصیلی»، و اسمیت و آلن^۵ (۲۰۱۴) «موفقیت‌های تحصیلی و مسیر صحیح هدایت تحصیلی» حاکی از این است که مسیر صحیح و آسیب‌شناسانه هدایت تحصیلی با موفقیت‌های تحصیلی بعدی فرد در ارتباط است. پیشینه تجربی هدایت تحصیلی حاکی از این است که تحقیقات مربوط به انتخاب رشته در کشور

ما با توجه به تغییرات نظام آموزشی به نظام ۶-۳-۳ و به تبع آن تغییرات فرایند هدایت تحصیلی اندک است و بیشتر مربوط به نظام انتخاب رشته به شکل پیشین است. به نوعی، پژوهش حاضر از نخستین گام‌های مطالعاتی در مسیر هدایت تحصیلی به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، عمده تحقیقات صورت گرفته صرفاً با روش‌های کمی و فرضیه‌آزمایی بوده‌اند. اما پژوهش حاضر با رویکرد تلفیقی در صدد بهره‌گیری از مزایای هر دو روش کیفی و کمی است. نیازآذری، شریفی و جباری (۱۳۹۹) در پژوهشی نتیجه گرفتند، مدل‌های کارآمد هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، به ترتیب استعدادیابی، عوامل قانونی، خط‌مشی‌های کارآمدی، ساختاری و مدیریتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانش‌مداری و خانوادگی- اجتماعی هستند. نیازآذری، شریفی و جباری (۱۳۹۹) در پژوهش دیگری نتیجه گرفتند، وجود بانک اطلاعاتی جامع، سهولت دسترسی به اطلاعات، مشاوره برخط، سابقه‌کاوی، بهره‌گیری از دستگاه‌های خبره و شبیه‌سازی، از عوامل دستیابی دانش‌آموزان به هدایت تحصیلی کارآمد هستند. نیازی، عقیقی، سلیمان‌نژاد و رازقی‌مله (۱۳۹۷) در پژوهشی نتیجه گرفتند، دانش‌آموزان مایل به انتخاب رشته تجربی هستند و از طرف دیگر، معیار عمده انتخاب رشته، علاقه‌های شخصی است. نویدی (۱۳۹۷) در پژوهشی نتیجه گرفت، مهم‌ترین اقدامات در راستای هدایت تحصیلی در کشور ارتقای سطح دانش و مهارت حرفه‌ای مشاوران و انجام پژوهش‌های مستمر در مورد هدایت تحصیلی است. ابراهیمی‌مقدم، صمدی و شریفی (۱۳۹۶) نتیجه گرفتند، آموزش و پرورش با ایجاد رشته‌های جدید می‌تواند باعث جذب دانش‌آموزان به رشته‌های مورد نظر شود. رضایت از معلمان در رشته‌ای که تدریس می‌کنند و امکان دستیابی به شغل، از دیگر عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به‌شمار می‌روند.

مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) در پژوهشی نتیجه گرفتند، عوامل مؤثر بر رضایت از انتخاب رشته، به ترتیب علاقه شخصی، اولویت شغلی آینده و توصیه مشاور است و نظر والدین کمترین نقش را داشته است. نظری، محمدی و حاتمی (۱۳۸۹) نتیجه گرفتند، بیشتر دانش‌آموزان به رشته‌های علمی و فنی علاقه‌مندند. در میان دختران علاقه و امکانات مراکز آموزشی بیشترین نقش را دارند و در بین پسران، درآمد بیشتر مورد توجه بوده است. طهماسبی (۱۳۸۷) در پژوهشی نتیجه گرفت، پرستیژ و موقعیت اجتماعی رشته‌های فنی و حرفه‌ای، نفوذ مشاوران مدرسه و دخالت والدین عوامل مؤثر بر انتخاب رشته هستند.

زندوانیان (۱۳۸۵) در پژوهشی نتیجه گرفت، نحوه هدایت تحصیلی و انتخاب رشته بر اساس استعداد، علاقه، پیشرفت تحصیلی و فرایند صحیح هدایت تحصیلی به رشته‌های گوناگون نیست، بلکه دانش‌آموزان قوی بر مبنای معدل به رشته ریاضی و فیزیک، دانش‌آموزان متوسط به علوم تجربی و دانش‌آموزان ضعیف به علوم انسانی هدایت شده‌اند. سالاری (۱۳۸۴) نتیجه گرفت، علاقه دختران به رشته‌های فنی و حرفه‌ای کمتر از پسران بوده است و بهترین مشوق دانش‌آموزان به شاخه‌های فنی و

حرفه‌ای و کار و دانش، مشاوران مدرسه بوده‌اند. رستگار خالدا (۱۳۸۳) نتیجه گرفت، ترجیحات اکثریت خانواده‌ها به رشته پزشکی با جهت‌گیری علاقه فرزند، خدمت به هم‌نوع، درآمد و آینده خوب است. اکوالی‌های و ایرمای^۶ (۲۰۱۸) در پژوهشی نتیجه گرفتند، والدین و معلمان باید ارتباط نزدیک‌تری با انتخاب شغل و تحصیل دانش‌آموز برقرار کنند. هاکوی^۷ (۲۰۱۸) نتیجه گرفت، بین علاقه‌های شغلی و جهت‌گیری‌های شغلی دختران دبیرستانی رابطه معناداری وجود ندارد. جیوستینلی و پاونی^۸ (۲۰۱۷) در پژوهشی نتیجه گرفتند، تفاوت‌های درون خانوادگی و ارتباط با والدین تأثیر قابل توجهی در فرایند انتخاب رشته دارند. کریوکا و پلیا^۹ (۲۰۱۴) در پژوهشی نتیجه گرفتند، اندازه‌گیری ادراک دانش‌آموزان نسبت به انتخاب زمینه تحصیلی و شغلی باید به‌عنوان یک ابزار کاری در نظر گرفته شود.

ساویتری، گرید و زیمر-گمبیک^{۱۰} (۲۰۱۳) در پژوهشی نتیجه گرفت، سازگاری جهت‌گیری‌های نوجوانان از انتظارات پدر و مادر با انتخاب رشته مرتبط است. آدو و ساننی^{۱۱} (۲۰۱۲) در پژوهشی نتیجه گرفتند، نگرش والدین و سطح تحصیلات آنان در انتخاب حرفه‌ای و تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است. وینگفیلد، ریس و وست-آلاتونجی^{۱۲} (۲۰۱۰) نتیجه گرفت، ۶۶ درصد دانش‌آموزان توصیه مشاور را در انتخاب رشته در رتبه آخر ارزیابی کرده‌اند. پری، لیثو و پایابان^{۱۳} (۲۰۱۰) در پژوهشی نتیجه گرفتند، حمایت معلم و پشتیبانی والدین در آماده‌سازی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان مؤثر است.

موضوع هدایت تحصیلی دانش‌آموزان از معضلات جدی وزارت آموزش و پرورش بوده است، تا حدی که از گذشته تاکنون مصوبات و اسناد زیادی از جمله «قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۶، قانون برنامه دوم توسعه در سال ۱۳۷۳، آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه در سال ۱۳۸۰، قانون برنامه چهارم در سال ۱۳۸۳، نقشه جامع علمی کشور در سال ۱۳۸۹، قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۸۹، سند تحول بنیادین در سال ۱۳۹۰، برنامه درسی ملی در سال ۱۳۹۱ و در سال ۱۳۹۴ آیین‌نامه جدید هدایت تحصیلی» در راستای آن اتخاذ شده، اگرچه هنوز در حل ریشه‌ای آن و کسب رضایت ذینفعان موفق نبوده است (طباطبایی، ۱۳۹۷؛ نیازی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نویدی، ۱۳۹۷). در استان ایلام نیز مشاهدات و اظهارات بسیاری از دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مشاوران مدرسه حاکی از این است که هدایت تحصیلی در طی تجربه جدید خود با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است؛ به‌طوری‌که دانش‌آموزان در زمینه هدایت تحصیلی حاضر با اطلاعات اندکی روبه‌رو بوده‌اند. از سویی دیگر، نگرانی‌های خانواده‌ها و فرزندانشان و شناخت ناکافی از هدایت تحصیلی، چالش‌های زیادی برای آنان ایجاد کرده است.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند برخی از چالش‌ها و آسیب‌های موجود هدایت تحصیلی به شکل جدید را شناسایی و مشخص کند و در برنامه‌ریزی‌های تحصیلی و شغلی لحاظ شود. از سوی دیگر، با توجه به شکل جدید فرایند هدایت تحصیلی در کشورمان، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به شناخت

دیدگاه‌های مشاوران و نیز خانواده‌های دانش‌آموزان و مواجهه آنان با هدایت تحصیلی منجر شود. بنابراین، هدف این پژوهش، آسیب‌شناسی فرایند هدایت تحصیلی از منظر دانش‌آموزان، خانواده‌های آنان و مشاوران مدرسه است. سؤال اصلی پژوهش نیز این است که چالش‌ها و آسیب‌های فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم استان ایلام کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

نوع روش پژوهش حاضر تلفیقی^{۱۴} است. در روش تلفیقی چندین راهبرد وجود دارد. راهبردی که این پژوهش دنبال کرد، راهبرد اکتشافی است. راهبرد اکتشافی شامل گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی در مرحله اول و به دنبال آن گردآوری و تحلیل داده‌های کمی در مرحله دوم است که خود بر اساس نتایج کیفی مرحله اول بنا نهاده می‌شود (کراسول^{۱۵}، ۲۰۰۹، ص. ۲۷۸). در مرحله نخست پژوهش که با روش کیفی انجام شده، جامعه آماری متشکل از دانش‌آموزان پایه نهم، اولیا و مشاوران شاغل در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ شهرستان دهلران بود. حجم نمونه در روش کیفی تابع قاعده روش کیفی، یعنی اشباع نظری، است. محقق نمونه‌ها را تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه می‌دهد و هرگاه مصاحبه‌های جدید نتوانند مفاهیم جدیدی در اختیار محقق قرار دهند، کار نمونه‌گیری به پایان رسیده است.

بر اساس توضیحات گفته‌شده، با ۲۷ دانش‌آموز پایه نهم (شامل ۱۰ پسر و ۴ دختر) ۸ مشاور (۵ مرد و ۳ زن) و ۵ ولی دانش‌آموز مصاحبه به عمل آمده است. در بخش کمی نیز حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ دانش‌آموز است. در بخش کیفی شیوه نمونه‌گیری هدفمند^{۱۶} و از نوع نمونه‌گیری نظری و در بخش کمی نیز نمونه‌گیری تصادفی مد نظر بوده است. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته و در روش کمی پرسشنامه بود که خود بر اساس داده‌های کیفی تهیه و تنظیم شد.

روش اصلی تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش کیفی، تحلیل مضمون بود. بر این اساس، ابتدا کلیت هر مصاحبه خوانده و بازخوانی مجدد شد. جملات و عبارات نامرتب از بازخوانی‌ها حذف و این کار تا اندازه‌ای انجام گرفت که احساس شد دیگر جملات اضافی و خارج از موضوع هدایت تحصیلی مشاهده نمی‌شود. در مرحله دوم تمامی جملات و حتی کلمات کلگذاری شدند. برای هر جمله، عبارت و کلمه، کدی مفهومی، مانند جدول ۳، اختصاص یافت. این کار برای تمامی مصاحبه‌ها انجام شد. با انجام این کار تمامی کدهای مفهومی تعیین شدند. در مرحله سوم جدول ۴ تمامی کدهای مفهومی در قالب کدهای اصلی سازمان‌دهی شدند. کدهای اصلی با رفت و برگشت‌های متعدد به کدهای مفهومی و حتی رجوع مجدد به جملات و عبارات انجام شدند. در نهایت، با طی تمامی این مراحل، کار کلگذاری و طبقه‌بندی به سرانجام رسید.

برای افزایش قابلیت اعتبار در روش کیفی، روش خاص و از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد، بلکه

مجموعه‌ای عوامل می‌تواند به این امر کمک کند. در پژوهش حاضر تمام فرایند کدگذاری مجدداً توسط محققان بازبینی شد. این کار با وسواس و رفت‌وبرگشت‌های متعدد بین مفاهیم و مضمون‌ها انجام شد. همچنین، نتایج و کل فرایند کدگذاری در اختیار چند استاد و صاحب‌نظر (دو استاد علوم تربیتی گرایش مشاوره و سه استاد با سابقه انجام تحقیقات ترکیبی) که در حوزه مشاوره تحصیلی و تحقیقات ترکیبی خبره بودند قرار داده شد و پیشنهادهای و نظرات اصلاحی آن‌ها لحاظ شد. برای اعتبار پرسشنامه، بخش کمی نیز از تحلیل عاملی تأییدی و برای پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. جدول ۳. نمونه کدگذاری اولیه از جمله، عبارت به کدهای مفهومی

عبارات	مقوله‌های جزئی (تم‌های فرعی)
دانش‌آموز هنوز نمی‌دونه چکار کنه مدام می‌پرسه آقا من چه رشته‌ای برم؟	سردرگمی انتخاب
کلاً اون اطلاع و اطلاعات لازم رو ندارن.	نبود اطلاعات کافی
دانش‌آموزی بوده از او پرسیدیم این رشته رو که می‌خواهی بری، می‌دونی آینده کاری‌اش چطوره و می‌دونی توش آمادگی داری یا نه؟ دانش‌آموز با حالت و نگاهی که از عمق بی‌خبری‌اش حکایت داشت، گفت نمی‌دونم آقا!	نشناختن رشته‌ها
دانش‌آموز باید فرم‌های مخصوص خودش رو پر کنه. واقعاً همین‌جوری پرش کرده و بدون جدیت و دونستن مسیر صحیح.	اهمال کاری تکمیل برگه‌ها
دانش‌آموز بر رشته خاصی تأکید و اصرار داره مثلاً آقا من باید برم رشته تجربی هر جور شده. ولی در پایان شرایط رسمی، نمره و معیارهایش را نیاورده و ناراحت شده و گفته اصلاً هیچ رشته‌ای نمی‌ره.	سماجت انتخاب
هنوز برای خانواده جا نیفتاده چکار کنند!	سردرگمی خانواده
واقعاً نمره معیار است و بعضاً نمراتی که دانش‌آموز کسب کرده، با واقعیت منطبق نبوده	نمره محوری
به نظرم نقش نمره بیشتر از برگه‌ها و برگه‌های خود اظهاری است و کلاً انتخاب بر نمره استوار است.	تعیین‌کنندگی نمره
آگه دانش‌آموزی دوست داشته باشه رشته تجربی بره، در صورتی که از بین چند درس اصلی در پایه نهم یکی‌شون نمره خوبی کسب نکرده باشه، به احتمال زیاد نمی‌تونه موفق بشه و به این رشته بره.	وزن بخشی درس‌ها

سطحی‌نگری برگه‌ها	برگه‌ها فقط در حد شناخت اولیه خوبن، ولی نباید معیار تعیین‌کننده باشند.
درک نادرست اولیا	پسرم می‌خواد این رشته بره، ولی در پایان به او اجازه نمی‌دن. حالا چکار کنیم؟
صورت شناخت	به نظرم کمتر از ۱۰ درصد بچه‌ها شناخت خوبی دارن، ولی بیشتر اونا نمی‌دونن. از سؤالاتی که مدام می‌پرسن معلومه.
رفع تکلیف مدیران	برخی مدیران زیاد در هدایت تحصیلی جدی نیستند و همین‌جوری رد می‌شن. دیده‌ام.
اهمال کاری اجرایی	اصلاً فرمی به دانش‌آموز داده نشده. تقریباً صوری بوده است.
سطحی‌گری دبیران	برگه‌هایی که به دبیران داده می‌شه و از شون خواسته می‌شه اون‌ها رو نمره‌گذاری کنند، نمره هر درس رو تقریباً به صورت رندومی داده‌اند و تحویل مدیر شده. یعنی خیلی واقعی نبودند.

جدول ۴. مضمون‌های فرعی و اصلی حاصل از داده‌های مضمون‌های اصلی

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های خرد
چالش‌های بنیادین انتخاب	۱. نبود اطلاعات کافی
	۲. ندانستن چندوچون رشته‌ها
	۳. فقدان اطلاعات اولیا
	۴. سردرگمی انتخاب
برگه‌های نمادین	۵. اهمال کاری و سهل‌انگاری تکمیل فرم
	۶. ایفای نقش
	۷. تعدیل برگه‌ها
	۸. بومی‌گرایی برگه‌ها
	۹. بی‌اعتقادی عملگرا
	۱۰. عیوب برگه‌ها و کثرت سؤالات

باورهای خاص اولیا	۱۱. درک نادرست اولیا
	۱۲. کمیت مراجعات والدین
	۱۳. سرمایه فرهنگی خانواده
	۱۴. اصرار اولیا و تجربه آن‌ها
ملاک عینی انتخاب	۱۵. تعیین‌کنندگی نمره کارنامه
	۱۶. تقویت ۶۵ درصدی
	۱۷. ضرورت امتحانات هماهنگ
	۱۸. تعیین‌کننده پنهان
	۱۹. دوگرایی ارزیابی
بی‌ملاحظگی و رفع تکلیف اجرایی	۲۰. رفع تکلیف و اهمال‌کاری اجرایی (مشاور و مدیر)
	۲۱. سطحی‌نگری دبیران
	۲۲. نبود توجه به خروجی‌ها
عملکرد مشاور از باور تا ناباوری	۲۳. سرزنش مشاور
	۲۴. بی‌اعتقادی مشاور
	۲۵. بروکراسی برگه و فرم مشاور
	۲۶. کلی‌گویی مشاور
	۲۷. ضعف مشاور
	۲۸. القای منفی مشاور
	۲۹. تقلیل سرزنش
	۳۰. تداخل نقش‌های مشاور
	۳۱. دو شقی کار مشاور
	۳۲. تقویت اختیارات مشاور
	۳۳. تعیین‌کننده معیوب
	۳۴. نبود راهنمای متخصص

نارسایی الکترونیکی و پیامدهای آن	۳۵. نبود زیرساخت‌ها
	۳۶. قطعی اینترنت
	۳۷. مصداق‌های برون مدرسه‌ای اینترنت
	۳۸. نحوه و تجربه تعامل‌گرایی میزبان
	۳۹. نبود فرصت فکر کردن
	۴۰. انتخاب تصادفی رشته
القائات ناهمگون	۴۱. نصیحت تجربه‌گرایانه برادر
	۴۲. نصیحت‌های دوستان
	۴۳. نصیحت‌های بد معلم
	۴۴. نصیحت‌های خوب معلم

■ یافته‌ها

۱. چالش‌های بنیادین انتخاب

این مضمون از انواع مشکلات، از سردرگمی تا نداشتن اطلاعات کنشگران، حکایت دارد و حاصل چهار مقوله خرد «نبود اطلاعات کافی»، «ندانستن چندوچون رشته‌ها»، «نداشتن اطلاعات اولیا» و «سردرگمی انتخاب» است. اگرچه با حضور قدرتمند فضای مجازی و دیگر ابزارهای سریع اطلاعات، امکان دسترسی به اطلاعات در مورد انتخاب رشته افزایش یافته، اما یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از این است که دانش‌آموزان در درجه نخست و اولیا و حتی برخی مشاوران مدرسه‌ها از نوعی سردرگمی و مضیقه اطلاعات مرتبط با انتخاب رشته در رنج بوده‌اند. نقل قول مشاور زیر به‌وضوح همین برداشت را منعکس می‌کند:

«دانش‌آموز هنوز نمی‌دونه چکار کنه! مادام می‌پرسه آقا من چه رشته‌ای برم؟ کلاً اون اطلاع و اطلاعات لازم رو ندارن، سردرگم و گیج هستند. واقعاً دانش‌آموزی بوده از او پرسیده‌ام این رشته رو که می‌خوای بری، می‌دونی آینده کاری‌اش چطوره و می‌دونی توش آمادگی داری یا نه، دانش‌آموز با حالت و نگاهی که از عمق بی‌خبری‌اش حکایت داشته، گفته نمی‌دونم» (مشاور، ۳۵ ساله).

فرا‌تر از تنگناهای دانش و اطلاعات دانش‌آموزان و اولیا، نکته دیگر این بود که حتی برخی دانش‌آموزان اظهار داشتند مشاور مدرسه چندان اطلاعاتی نداشته یا اطلاعاتش به‌قدر کفایت نبوده و مطالب راهنمای هدایت تحصیلی را به‌صورت کلی و کلیشه‌وار بیان کرده است. روی هم‌رفته، نبود اطلاعات در مورد انتخاب رشته و نحوه آشنایی دقیق با زیررشته‌ها و بازار کار آن‌ها مطلوب نبود و

مکرراً در مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان مشاهده شد.

زهرآ، دانش‌آموز دهم تجربی، با وجود انتخاب رشته تجربی، اشاره کرد بهتر بود مشاور در قالب یک بنر، نمایی از رشته‌های گوناگون، به خصوص انواع زیرمجموعه‌های پزشکی را، در طول سال نشان می‌داد (زهرآ، پایه دهم تجربی).

۲. برگه‌های نمادین

بنا بر فرایند هدایت تحصیلی فعلی که حدود ۶۵ درصد وزن انتخاب رشته بر مبنای نمون برگ شماره ۵ با ترکیب نظرات و خروجی ۱۰ درصد دبیران، ۱۰ درصد دانش‌آموز، ۵ درصد اولیا، ۱۰ درصد مشاور، ۱۵ درصد آزمون استعداد و ۱۵ درصد نیز رغبت است، برخی واکنش‌ها و اعتقادات قابل تأمل است. مقوله کشف‌شده برگه‌های نمادین که حاصل «اهمال‌کاری و سهل‌انگاری تکمیل برگه»، «ایفای نقش»، «تعديل برگه‌ها»، «بومی‌گرایی برگه‌ها»، «بی‌اعتقادی عملگرا»، «عیوب برگه‌ها و کثرت سؤالات» است، از همین واکنش‌ها حکایت دارد. مجموع اظهارات دانش‌آموزان و مشاوران بر این دلالت داشت که آنان چندان اعتقادی به پر کردن و تکمیل برگه‌های خوداظهاری و دیگر اظهاری ندارند. به اعتقاد آنان، این برگه‌ها صرفاً رفع تکلیف و صوری هستند و چندان در انتخاب رشته اثرگذار نیستند. به همین دلیل، واکنش‌هایی منفی اعم از تصادفی پر کردن، هم‌زمانی تکمیل دو برگه ویژه دانش‌آموز و اولیا توسط خود دانش‌آموز (ایفای نقش^۷) داشته‌اند و حداکثر کارایی برگه‌ها را به رفع تکلیف تقلیل داده و به نمادی از ناکارآمدی تبدیل کرده‌اند. اظهارات متعدد دانش‌آموزان و مشاوران زیر به‌وضوح این نکات را محرز می‌سازد. برای نمونه:

... بله آقا دادند (برگه‌ها را) ولی الکی پرشون کردیم. خود مشاور گفت همه‌شون رو (نمره) ۵ بزنی تا رشته خوب براتون بگیره (دانش‌آموز دهم کار دانش). گفتند وقت نیست، سریع پر کنید باید تحویل (رفع تکلیف برگه‌ها) (دانش‌آموز دهم فنی و حرفه‌ای).

بله یک روز دوتا فرم به ما دادند و گفتند پرش کنید. اینا مهم نیست، مهم نمرات درسی شما هست (دانش‌آموز یازدهم تجربی). خود من (مشاور) و دانش‌آموز می‌دانیم واقعاً ۶۵ درصده دیگه، چون ۳۵ درصد به کارنامه دانش‌آموز مربوطه بی‌تاثیره و بی‌انگیزگی در پر کردن واقعی ایجاد می‌کنه ... وقتی این همه فرم داریم و باید نمراتشون رو وارد کنم، وقتی می‌دونم هیچ تأثیری نداره، بی‌خیال می‌شم... (بی‌اعتقادی مشاور).

پارسال دانش‌آموزی داشتیم که ۱۵ تومان به کافی‌نت داده بود گفته بود این رو (فرم) کامل کن و بهم بده (بی‌اعتقادی عملگرا) (مشاور، ۳۵ ساله).

اظهارات متعدد ذکر شده به‌خوبی نشان می‌دهند هم مشاور و هم دانش‌آموز در یک توافق ضمنی، البته بیشتر با تأسی از بی‌اعتقادی مشاور، نسبت به تکمیل برگه‌ها مبادرت کرده‌اند. بنابراین، در این

زمینه شاهد واکنش منفعل تا منفی مشارکت‌کنندگان در تکمیل برگه‌ها بوده‌ایم. این مضمون یکی از فراوان‌ترین مضمون‌ها در روایت‌های مصاحبه‌شوندگان بود. در نظام اعتقادی آنان، برگه‌ها در انتخاب رشته تأثیری ندارند و همین برداشت به دانش‌آموزان نیز القا شده است. طولانی‌بودن سؤالات نیز مورد دیگری بود که مشارکت‌کنندگان به خستگی ناشی از آن اشاره کردند.

۳. باورهای خاص اولیا

مضمون کشف‌شده دیگر، باورهای خاص اولیا، متشکل از «درک نادرست»، «میزان مراجعات»، «سرمایه فرهنگی» و «اصرار اولیا و تجربه آن» است. از آنجاکه همگی مؤلفه‌های خرد این مضمون به نوعی اشکال و هنجار خاص آنان برمی‌گردد، به باورهای خاص تعبیر شده است. به باور برخی مشاوران، با وجود شرکت اولیا در جلسات مربوط به هدایت تحصیلی، عمده شرکت آنان در حد نمادین بوده و چندان مفید و کارآمد نبوده است. برای نمونه، همین روایت مشاور پرواضح است:

وقتی دعوت می‌کنیم از خانواده، واقعاً میان، مگه کسی نتونه. ولی بحث آینه نمی‌دونند و اطلاعات لازم ندارند. یعنی صرف شرکت در مدرسه برای آشنایی انتخاب رشته میانه ... می‌گه پسرم باید بره رشته تجربی. دیگه کاری ندارِ علاقه و استعداد بچه چی هست (خانم مشاور، ۴۲ ساله).

نکته دیگر قابل ذکر این است که به اظهار مشاوران، خانواده‌ها به‌طور کل نسبت به هدایت تحصیلی و اهمیت آن برای فرزند خودشان در دو طبقه جای می‌گیرند؛ یا کلاً بی‌خیال هستند و برایشان مهم نیست و اصلاً به مدرسه مراجعه نمی‌کنند یا برایشان اهمیت دارد و مراجعه، اگرچه نمادین، دارند. یافته‌های این مضمون نشان می‌دهد، همگام با ناآشنایی دانش‌آموزان، خانواده‌ها نیز چنین هستند و حتی بسیار آسیب‌زاتر. بدین صورت، بدون توجه به برخی هنجارهای قانونی و ماده‌های مصوب هدایت تحصیلی، اصراری نامتعارف مبنی بر انتخاب رشته خاص موردنظر خود، بدون ملاحظه عملکرد تحصیلی و استعداد و علاقه فرزند، دارند. همین باورهای خاص اولیا که می‌تواند از تسلط رشته تجربی ناشی باشد، باعث شده خانواده‌ها سعی کنند فرزند آن‌ها به هر شکل ممکن به رشته تجربی برود و به نوعی در کنکور، با فرض موفقیت، بتواند جایگاه و آینده خود را تضمین کند.

۴. ملاک عینی انتخاب

این مضمون شامل پنج خرده مضمون «تعیین‌کنندگی نمره»، «تقویت ۶۵ درصد»، «ضرورت امتحانات هماهنگ»، «تعیین‌کننده پنهان»، و «دوگرایی ارزیابی» است. به نظر مشاوران و دانش‌آموزان، هدایت تحصیلی و انتخاب رشته مورد نظر به نمرات کارنامه بستگی دارد و مابقی درصد، چندان تأثیری ندارد. از همین رو، در نزد آن‌ها نقش نمره برجسته است و آن را تعیین‌کننده اصلی می‌دانستند. اسما،

دانش‌آموز پایه دهم تجربی، معتقد است:

من به خاطر اینکه نمرات نهمم خیلی خوب بود تونستم رشته تجربی رو کسب کنم. خیلی واسم مهم نبود برگه‌ها رو چطور بزنم.

همچنین، دیدگاه مشاور ۳۶ ساله نیز چنین بود: به اعتقاد همون کارنامه و نمرات درس‌های ریاضی، علوم تجربی و ادبیات فارسی تعیین‌کننده رشته‌شون هست. بقیه یا نادران یا خیلی خیلی کم.

چنین دیدگاه‌هایی نشان می‌دهند که در شرایط فعلی و به روایت تجربه‌کنندگان، نقش تعیین‌کننده در نمرات کارنامه تعبیه‌شده و همین عملکرد تحصیلی بر ۶۵ درصد دیگر غالب است. بدین علت برخی مشاوران خواهان برخی تغییرات و اصلاحات از جمله «ضرورت برگزاری امتحانات هماهنگ استانی» در هر سه پایه و «تقویت نقش ۶۵ درصد» بودند. اظهارات اصلاحی مشاوران مدرسه چنین بود که باید امتحانات هماهنگ استانی در هر سه پایه برگزار شوند و آن هم با تشکیل حوزه امتحانات و پرهیز از حضور معلمان خودی. در نزد آنان نمرات فعلی واقعی نیستند و نمی‌توانند ملاک کارآمد توان علمی دانش‌آموزان باشد؛ عین اظهار تجربه‌کنندگان همین نکته را به‌دقت نشان می‌دهد:

«به نظرم، زمانی می‌شه نمرات واقعی باشند که هر سه پایه یا پایه نهم، آزمونش بشه هماهنگ استانی، با تشکیل ستاد تصحیح امتحانات، و خود معلم نمره نده. این یعنی واقعیت و درست بودن نمره، تا بشه ملاک. دانش‌آموز ریاضی رو گرفته ۱۷ یا علوم رو گرفته ۱۸، الان نمرات در همه مدرسه‌ها واقعی نیستند.» (مشاور، ۲۸ ساله).

در کل، مجموع روایات و دیدگاه‌های مشاوران و دانش‌آموزان چنین بود که ۳۵ درصد فرایند هدایت تنها اصل تعیین‌کننده برای انتخاب رشته مورد نظر است و ۶۵ درصد دیگر چندان مؤثر نیست. لذا می‌توان با ۳۵ درصد کارنامه به اهداف مورد نظر رسید.

۵. بی‌ملاحظگی و رفع تکلیف اجرایی

این مقوله حاصل سه مؤلفه سطحی‌نگری دبیران، نبود توجه به خروجی‌ها و رفع تکلیف اجرایی مشاور و مدیر است. این مضمون نشان می‌دهد، عوامل اجرایی مدرسه، از دبیر تا مدیر و مشاور، اعتقاد چندانی به برگه‌های خوداظهاری تا دیگر اظهاری ندارند. همان‌گونه در نمودن برگ ۵ تصریح شده، دبیران از اختیار ۱۰ درصد برخوردارند و در فرمی که مدیر در اختیار آنان قرار می‌دهد، از آنان خواسته می‌شود نمراتی به درس مورد نظر دانش‌آموز اختصاص بدهند. همین تکلیف با بی‌میلی دبیران مواجه بوده و نمرات به صورت تصادفی داده شده‌اند. فراتر از این، بی‌توجهی به خروجی‌های مجموع برگه‌های دانش‌آموزان و مشاور و اولیاست. صداقت مشاور زیر به‌درستی بر همین امر تأکید دارد:

حقیقتاً من باید کلی نمره دانش‌آموز وارد کنم. کلی نمرات دبیران و اولیا رو وارد سیستم کنم؛

کاری طولانی و بدون پشتوانه انگیزشی. و آن واقعیت در این کار وجود ندارد، چون من اعتقاد دارم کسی به این کارها اهمیت نمی‌دهد و در کلامی، صوری بازی هست (مشاور خانم، ۳۳ ساله).

۶. عملکرد مشاور از باورها تا بایدها

مضمون عملکرد مشاور دلالت بر دامنه متنوعی از مقصر دانستن و سرزنش تا طرد سرزنش مشاور است و شامل ۱۲ مؤلفه است: «سرزنش مشاور»، «بی‌اعتقادی مشاور»، «بروکراسی برگه و برگه مشاور»، «کلی‌گویی مشاور»، «القای منفی مشاور»، «تداخل نقش‌های مشاور»، «دو شقی کار مشاور»، «تقویت اختیارات مشاور»، «تعیین‌کننده معیوب» و «نبود راهنمای متخصص».

مشاور بنا بر ماهیت کار خود، در هدایت دانش‌آموزان، خاصه در انتخاب رشته، نقش مهمی دارد. چنانچه مشاور از تخصص لازم و علاقه زیاد در کار برخوردار باشد، می‌تواند بسیاری از تنگناها و مشکلات دانش‌آموزان هدف را برطرف کند. اهمیت کار مشاور قابل انکار نیست، با وجود این باید اشاره کرد در برخی موارد، بنا بر محدودیت‌ها، برخی مشاوران از نیروهایی غیر از رشته تخصصی و به‌طور عمده از نیروهای پرورشی هستند. همین موجب شده است اهمیت کار مشاور تحت الشعاع قرار گیرد. سه مؤلفه کلی‌گویی (کلیشه) مشاور، سرزنش مشاور و نبود راهنمای متخصص بر همین موضوع دلالت دارند. برای نمونه، از اظهارات زینب می‌توان همین موضوع را استنباط کرد:

«...مشاور باید واقعاً رشته‌اش مشاوره باشه تا بتونه خوب بچه‌ها رو هدایت کنه. معلمای خوب پرورشی کمتر می‌تونن، چون اونا کارشون چیز دیگه‌ایه. به نظرم هرچی مشاور سواد بیشتر داشته باشه، خوب‌تر بچه‌ها رو به مسیر می‌بره...» (زینب، دهم تجربی).

از دیگر مؤلفه‌های اساسی مضمون کشف‌شده، تداخل نقش‌های مشاور، دو شقی کار مشاور و تقلیل وظایف مشاور است. مشاوران مدرسه به شکل‌های گوناگون باور داشتند که واقعاً مشاور با حجم سنگینی از کار روبه‌روست و تا حدی از رسالت اصلی خود دور شده است. آنان بیان داشتند که کار مشاور به دو دسته «کاغذبازی‌های متعدد» و «پاسخ دادن به بخشنامه‌های اداری» تقلیل یافته است. لذا مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند باید وظایف واقعی مشاور حول ارشاد تخصصی فعالیت‌های آموزشی و اخلاقی دانش‌آموزان باشد. اظهارات مصاحبه‌شونده زیر حاکی از حجم زیاد کارها تا اظهار گله از نظام فعلی کار مشاوره است:

از مشاور انتظار است در همه چیز دخالت کنه. شما الان می‌دانید مشکلات و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه زیاد شده. همین در مدارس هم وجود داره. حالا بحث آینه مشاور با چه حجم کاری زیادی سروکار داره! هدایت تحصیلی به‌جای خود که اون جذبۀ واقعی رو نداره. کلی باید برگه بدیم و تحویل بگیریم، آخرش هم خروجی‌ها چندان خوب

نیستند (مشاور، ۴۲ ساله).

نکته قابل توجه دیگر، باور مشاوران به تقویت دامنه اختیاراتشان در حوزه انتخاب رشته است. بر اساس رویه کنونی، نظرات مشاوران حدود ۱۰ درصد در انتخاب رشته دانش‌آموز نقش دارد. آنان معتقد بودند این سهم کم است و از طرف دیگر باید نظرات خانواده به همگرایی بیشتر با نظر مشاور بینجامد. ذیل این بحث چنین معتقد بودند که مشاور بهتر از خانواده می‌تواند تشخیص دهد دانش‌آموز در چه رشته‌ای موفق‌تر خواهد شد. لذا آنان معتقد بودند، اگر خانواده‌ها به مشاور ایمان بیشتری داشته باشند، بسیاری از آسیب‌های موجود کاسته خواهند شد. برای نمونه:

به نظرم الآن خیلی از خانواده‌ها واقعاً به‌طور دقیق نمی‌دونند بچه‌شون باید چکار کنه! اونا (خانواده) باید بیان مدرسه و به مشاور ایمان داشته باشن. مشاور بهتر می‌تونه مسیر درست موفقیت رو برایشون ترسیم کنه. مشاور می‌دونه وضعیت کلی دانش‌آموز چیه و باید چطور بردش به راه درست... (مشاور خانم، ۳۳ ساله).

۷. نارسایی الکترونیکی و پیامدهای آن

مضمون کشف‌شده دیگر، نواقص و نارسایی الکترونیکی است. در چند سال اخیر، گاهی آزمون‌هایی به‌صورت آنلاین برای دانش‌آموزان برگزار می‌شوند. یکی از الزامات برگزاری این آزمون‌ها، وجود کارگاه رایانه و برخط (آنلاین) بودن است. زمانی که بسترهای چنین سخت‌افزاری در مدرسه وجود ندارد، اداره‌های مناطق و شهرستان از مدرسه‌های برخوردار می‌خواهند با مدرسه‌های فاقد این امکان همکاری کنند. بنابراین، رفع این تنگنا مستلزم برخی همکاری‌های بین مدرسه‌ای است. بر اساس اظهار زیر:

واسه این کار (اینترنت) رفتیم مدرسه دیگه‌های. اونجا کلی اذیت شدیم. منتظر موندیم تا هماهنگی بشه برای کامپیوتر و آخرش هم هیچی. الکی همه‌شون رو تند و تند پر کردیم و والسلام... (دانش‌آموز، دهم انسانی).

از این اظهار می‌توان مشکلاتی از نوع همکاری بین مدرسه‌ای را استنباط کرد. مدرسه مقصد ممکن است میل چندانی به همکاری با دانش‌آموزان دیگر نداشته باشد. لذا احتمال نبود همکاری واقعی وجود دارد. یا ممکن است برای جلوگیری از بی‌نظمی‌های احتمالی، همکاری لازم را نداشته باشند. این اظهارات را هم بخوانید:

«مشکل اصلی آینه که آزمون‌هایی که بچه‌ها باید بدن، اینترنتیه و وقتی اینترنت نیست، گاهی باید دانش‌آموز به مدرسه‌های مجهز به اینترنت برده بشه. همین کلی مشکل ایجاد میکنه. حوادثی که توی این فاصله ایجاد می‌شه، بی‌نظمی دانش‌آموزان و کنترل‌کردن اونا و ... واسه ماها (مشاوران) هم دردسرهای زیادی داره. ممکنه بریم اونجا، باز مشکل سرعت اینترنت

مطرح باشه! وقت زیادی هم خودمون منتظر بمونیم. بچه‌ها هم همینطور. خسته میشن و ممکنه دست به بی‌نظمی بزنند! همین‌طور باید ببینیم نحوه همکاری اون مدرسه با ما چطوره! مثلاً سال گذشته همین موضوع رو تجربه کردیم؛ کلی وقت گذاشتیم، اومدیم واسه آزمون اینترنتی بچه‌ها، مدیر مدرسه گفت زود تمام کنید، بچه‌های خودمون کارگاه دارن. منظور مشخص بود. دوست‌نداشتن ما استفاده کنیم...» (مشاور مدرسه، ۴۰ ساله).

۸. القانات ناهمگون

مضمون «القانات ناهمگون» بر توصیه‌های ناهمخوان و گاهی متضاد اشاره دارد. این مضمون شامل توصیه‌هایی از درون خانواده خود (برادر و خواهر)، دوستان و معلمان است. بدیهی است در فرایند انتخاب رشته خانواده نقش مهمی دارد و در این بین نقش برادر و خواهر محرزتر است. در حال حاضر، عموم خانواده‌ها به سمت رشته تجربی نظر دارند، چراکه در صورت موفقیت فرد، این رشته برای خود فرد و خانواده شغل مطمئن و درآمد قابل توجهی را تضمین خواهد کرد. لذا در برخی مصاحبه‌ها مشارکت‌کنندگان اذعان می‌کردند توصیه خواهر و برادران آن‌ها بر اولویت‌دادن به رشته تجربی، بدون ملاحظات دیگر، بوده است. برای نمونه، سمیه ذکر کرد: «خواهرم رشته پزشکی قبول شده بود. بهم گفت هر کاری کردی، حتماً باید بری رشته تجربی. آگه قبول بشی، خیالت راحت دیگه پزشک می‌شی. الان پزشکا درآمد خوبی دارن» (سمیه، دهم تجربی).

همچنین، نادر اظهار داشت که معلم توصیه کرده است به رشته تجربی نرود، چون شانس قبولی کنکورش بسیار پایین است (نادر، دهم انسانی). مشارکت‌کننده دیگری اذعان کرد:

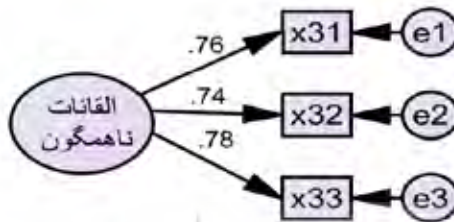
«... راستش نمی‌دانستم چه رشته‌ای برم! خودم دویه شک بودم چه رشته‌ای برم تا بتونم موفق بشم. خانواده یه چیز می‌گفتند، مدرسه یه چیز دیگه! واقعاً اعصابم خراب بود. بین دو رشته نمونه بودم. اول تجربی آورده بودم، بعدش انسانی هم داشتیم. آخرش دیگه خیلی اذیت شدم، رفتم رشته انسانی. الان احساس می‌کنم کاش می‌رفتم تجربی، چون الان متوجه شده‌ام رشته انسانی نه اینکه بد هست، آینده‌اش خوب نیست. فقط شاید بشه معلمی قبول شد، ولی اون تجربی رو شاید پرستار می‌شدم» (نازنین، دهم انسانی).

نکات قابل ملاحظه روایات بالا این است که از اطرافیان نزدیک دانش‌آموز، تفکرات کاملاً ناهمخوانی از یک سنخ، در یکی اصرار بر رشته تجربی و در دیگری اجتناب از آن، القا شده است. بدیهی است در چنین شرایطی فشار زیادی بر دانش‌آموز وارد خواهد شد.

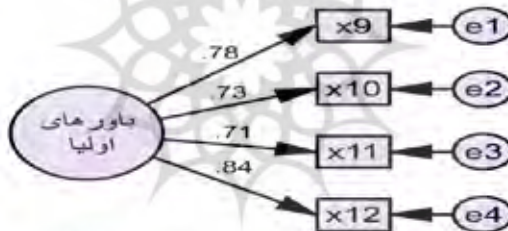
بخش کمی

تحلیل عاملی تأییدی

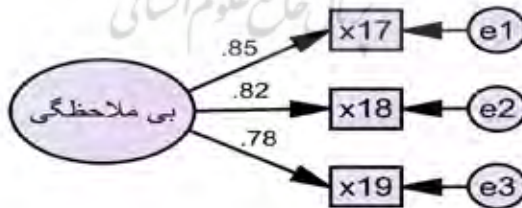
در پژوهش حاضر، برای بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده شده است. در صورتی که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، بارهای عاملی در سطح ۵ درصد معنی دارند و فرض صفر مبنی بر معنی دار نبودن نقش سنج در تشکیل سازه مورد بررسی رد می‌شود و معنی‌داری روابط در قالب تحلیل عاملی تأییدی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. مدل‌های اندازه‌گیری که به کمک تحلیل عاملی تأییدی مورد برآزش قرار گرفتند، در شکل‌های زیر آمده‌اند.



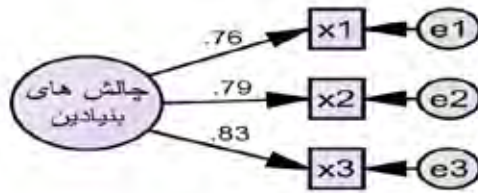
شکل ۱. مدل اندازه‌گیری القائات ناهمگون (ضرایب استاندارد شده)



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری باورهای اولیا (ضرایب استاندارد شده)



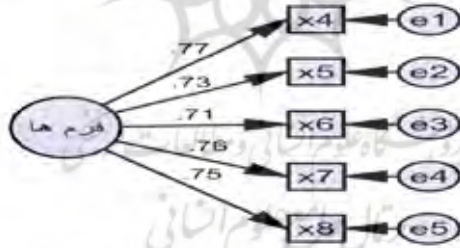
شکل ۳. مدل اندازه‌گیری بی‌ملاحظگی (ضرایب استاندارد شده)



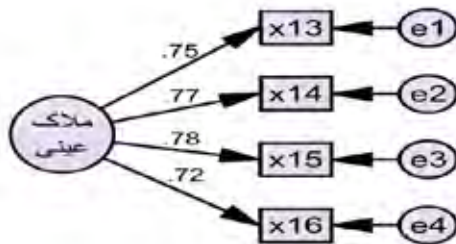
شکل ۴. مدل اندازه‌گیری چالش‌های بنیادین (ضرایب استانداردشده)



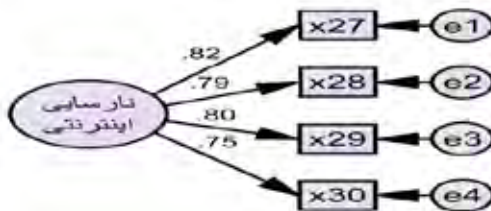
شکل ۵. مدل اندازه‌گیری عملکرد (ضرایب استانداردشده)



شکل ۶. مدل اندازه‌گیری برگه‌ها (ضرایب استانداردشده)



شکل ۷. مدل اندازه‌گیری ملاک عینی (ضرایب استانداردشده)



شکل ۸. مدل اندازه‌گیری نارسیابی اینترنتی (ضرایب استانداردشده)

سوالات پژوهش

سؤال ۱. آگاهی و اطلاعات دانش‌آموزان در زمان انتخاب رشته چگونه بوده است؟

جدول ۵. میزان دانش و آگاهی دانش‌آموزان در زمان انتخاب رشته بر حسب درصد و میانگین

میانگین	درصد				نام رشته‌ها	
	خیلی زیاد (۵)	زیاد (۴)	تا حدی (۳)	کم (۲)	خیلی کم (۱)	
۲/۸۶	۱۵	۰/۱۸	۲۷/۲	۰/۲۱	۱۸/۸	رشته ریاضی و رشته‌های زیرمجموعه آن
	۱/۳۳		۳۹/۸			
۳/۴۲	۰/۱۵	۲۰/۲	۴۱/۳	۱۰/۵	۰/۱۳	رشته تجربی و رشته‌های زیرمجموعه آن
	۳۵/۲		۲۳/۵			
۲/۹۹	۱۳/۵	۲۲/۸	۳۰/۷	۱۶/۸	۱۶/۲	رشته انسانی و رشته‌های زیرمجموعه آن
	۳۶/۳		۰/۳۳			
۳/۰۲	۱۰/۵	۲۷/۸	۳۲/۸	۱۲/۵	۱۶/۰۵	رشته کاردانش و رشته‌های زیرمجموعه آن
	۳۸/۳		۲۸/۵۵			
۳/۳۲	۲۰/۵	۲۸/۸	۲۷/۵	۹/۸	۱۳/۵	رشته فنی و حرفه‌ای و رشته‌های زیرمجموعه آن
	۴۹/۲		۲۳/۳			
۲/۸۲	۰/۹	۲۳/۸	۲۶/۲	۲۲/۵	۱۸/۵	اطلاع از آینده شغلی رشته‌ها
	۳۲/۸		۰/۴۱			
۳/۰۱	۳۳/۶۸			۳۴/۳۵		میانگین درصدها

بر اساس جدول ۵، حدود یک‌سوم دانش‌آموزان در زمان انتخاب رشته از دانش و اطلاعات زیاد برخوردار بوده‌اند. میانگین کل بر اساس نمره ۱ تا ۵ است و نمره ۳ بیانگر حد متوسط دانش و اطلاعات در زمان انتخاب رشته است. از نظر تفکیک رشته نیز دانش‌آموزان رشته‌های تجربی، و فنی و حرفه‌ای به ترتیب دانش و اطلاعات بیشتری داشته‌اند.

سؤال ۲. بین سطح دانش و اطلاعات مرتبط با انتخاب رشته و جنسیت دانش‌آموزان چه

تفاوتی وجود دارد؟

جدول ۶. مقایسه وضعیت جنسیت با سطح اطلاعات و دانش انتخاب رشته

جمع رتبه‌ها	میانگین رتبه	تعداد	جنسیت	اطلاعات انتخاب رشته
۴۶۸۴۲/۵۰	۲۰۵/۴۵	۲۲۸	پسر	
۴۶۸۴۲/۵۰	۱۹۱/۵۲	۱۷۲	دختر	
		۴۰۰	کل	

برای مقایسه وضعیت جنسیت با سطح دانش و اطلاعات انتخاب رشته از آزمون آماری «من-ویتی» استفاده شده است. خروجی‌ها بیانگر این هستند که بین دو گروه دختران و پسران از نظر سطح اطلاعات در مورد انتخاب رشته تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به اینکه $P < ۰/۰۵$ است، نتیجه گرفته می‌شود هر دو گروه پسران و دختران در زمان انتخاب رشته از سطح دانش و شناخت یکسانی برخوردار بوده‌اند.

سؤال ۳. از نظر پاسخگویان، جایگاه عامل‌های هشتمگانه چگونه است؟

برای پاسخ به این سؤال از آزمون «فریدمن» استفاده شده است. بر اساس جدول ۷، از دیدگاه دانش‌آموزان عامل «چالش‌های انتخاب» با میانگین ۱۹ در رتبه اول قرار گرفته و عامل‌های «ملاک عینی و بی‌ملاحظگی اجرایی» با میانگین‌های ۱۳/۹۰ و ۱۳/۵۶ در جایگاه‌های دوم و سوم و سایر عامل‌ها نیز در مراتب ۴ تا ۸ قرار گرفته‌اند.

جدول ۷. آزمون فریدمن برای تعیین اهمیت آسیب‌های استخراج‌شده از دیدگاه دانش‌آموزان

عامل‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	رتبه میانگین	ترتیب عامل‌ها
نارسایی الکترونیکی	۷/۷۴۵۰	۱/۷۶۸۵۶	۳	۱۳	۱/۸۶	۸
باورهای اولیه	۱۱/۹۹۷۵	۳/۴۳۵۴۰	۴	۲۰	۴/۲۱	۶
القائات ناهمگون	۹/۷۵۲۵	۳/۲۱۶۶۹	۳	۳۴	۲/۴۳	۷
عملکرد مشاور	۱۲/۹۰۲۵	۳/۲۵۱۰۶	۴	۲۰	۴/۸۲	۴
بی‌ملاحظگی اجرایی (اجرایی مشاور و مدیر)	۱۳/۵۶۰۰	۴/۳۰۳۸۰	۵	۵۴	۵	۳
ملاک عینی انتخاب	۱۳/۹۰۵۰	۳/۵۹۴۲۰	۴	۲۰	۵/۳۶	۲
چالش‌های انتخاب	۱۹/۳۲۲۵	۲/۹۰۲۵۱	۱۰	۲۵	۷/۸۰	۱
فرم‌های نمادین	۱۲/۶۰۷۵	۲/۷۶۵۴۲	۶	۱۹	۴/۵۱	۵

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی آسیب‌شناسی فرایند هدایت تحصیلی دانش‌آموزان پایه نهم استان ایلام بود. حاصل تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی به شکل‌گیری هشت مضمون محوری «چالش‌های بنیادین انتخاب، برگه‌های نمادین، باورهای خاص اولیا، ملاک عینی انتخاب، بی‌ملاحظگی و رفع تکلیف اجرایی، عملکرد مشاور از باور تا ناباوری، نارسایی الکترونیکی و القانات ناهمگون» منجر شد. بر اساس یافته‌های بخش کمی نیز مهم‌ترین آسیب‌ها و چالش‌های هدایت تحصیلی به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: چالش‌های انتخاب رشته، ملاک عینی انتخاب، بی‌ملاحظگی عوامل اجرایی، عملکرد مشاور، برگه‌های انتخاب رشته، باورهای اولیا و مشکلات الکترونیکی انتخاب رشته.

در مورد مقوله اصلی اول، یعنی چالش‌های بنیادین انتخاب رشته، باید اذعان کرد، اولین آسیب جدی و چالش در حوزه هدایت تحصیلی بود که در بین عموم مشارکت‌کنندگان رایج بود. این یافته با نتایج برخی پژوهش‌ها نظیر نویدی (۱۳۹۶)، رضایپور میرصالح، شسفاپی و براتی (۱۳۹۵)، احمدی (۱۳۸۷) و اکوالی‌های و ایرمای (۲۰۱۸) همسوست. این تحقیقات به‌طور ضمنی اشاره کرده‌اند که میزان آشنایی دانش‌آموزان با انتخاب رشته چندان نیست و برخلاف جو رایج و وجود امکانات بصری و سمعی در جامعه، دانش‌آموزان نیاز به اطلاعات بیشتر در مورد هدایت تحصیلی دارند. یافته‌های کمی نیز بر این امر صحنه می‌گذارند؛ در زمان انتخاب رشته حدود ۳۵ درصد از دانش‌آموزان به میزان کم و تنها حدود ۳۴ درصد در حد زیاد و ۳۱ درصد نیز در حد متوسط از دانش و اطلاعات برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر، فقط حدود یک‌سوم دانش‌آموزان میزان اطلاعات خود را زیاد دانسته‌اند.

همچنین، از نظر اهمیت، چالش‌های انتخاب رشته رتبه اول را به خود اختصاص داد. اگرچه تصور می‌شود دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی با چگونگی هدایت تحصیلی آشنا می‌شوند، اما واقعیت موجود این است که عمده آن‌ها از نوعی سردرگمی در انتخاب رشته رنج می‌برند که می‌تواند این ناشی از این باشد که دانش‌آموزان یک سال زودتر و در واقع در شروع دوره جدید تحصیلی باید انتخاب رشته کنند. همین ممکن است باعث افزایش استرس و نبود تمرکز آنان شود.

یافته دیگر برگه‌های نمادین (با اشکال گوناگون اهمال‌کاری و سهل‌انگاری تکمیل فرم، ایفای نقش، تعدیل برگه‌ها، بومی‌گرایی برگه‌ها، بی‌اعتقادی عملگرا، عیوب برگه‌ها و کثرت سؤالات) بود که بر دامنه متنوعی از اهمال‌کاری، بی‌اعتنایی و اشکالات برگه‌ها دلالت دارد. اگرچه در مورد یافته حاضر، به علت تازگی ورود نقش برگه‌های خودارزیابی و دیگر ارزیابی، نتایج مشابهی موجود نیست، اما نتایج نشان داد سؤالاتی که باید رغبت و استعداد دانش‌آموزان را بسنجند، با سرعت و بی‌دقتی و تصادفی تنظیم شده‌اند. نکته دیگر به تعداد زیاد و طولانی سؤالات برمی‌گردد که مشاوران نیز با صراحت به پیامدهای خستگی و بی‌دقتی در تکمیل آن اشاره کردند.

نتیجه دیگر این تحقیق، در مورد باورهای خاص اولیا نسبت به هدایت تحصیلی بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های احمدی (۱۳۸۷)، رستگارخالد (۱۳۸۳)، نویدی (۱۳۹۶)، یوشا (۲۰۱۳)، لازاروس، محمید و آدیگان^{۱۸} (۲۰۱۳)، آدو و سانلی (۲۰۱۲) و آرایوجو، تاویرا، سیلوا، موتا و مارکوس^{۱۹} (۲۰۱۲) همسوست، ولی با نتیجه تحقیق مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) که نتیجه گرفته بودند خانواده هیچ نقشی در هدایت تحصیلی دانش‌آموز ندارد، ناسازگار است. در این مورد می‌توان به میل زیاد خانواده‌ها به انتخاب رشته تجربی اشاره کرد که در شرایط فعلی کشور، مهم‌ترین رشته

است و پزشکی آمال آن. این موضوع باعث اصرار خانواده‌ها به انتخاب رشته تجربی، گاهی بدون توجه به شرایط و توانایی دانش‌آموزان، شده است.

ملاک عینی انتخاب رشته (ملاک برگه‌ها، نمرات کارنامه، نظرات مشاور مدرسه و نظرات خانواده) یافته دیگر بود. مفاد این مضمون بر نقش اصلی نمرات کارنامه دلالت دارد. در دیدگاه برخی مشاوران و دانش‌آموزان نمره کارنامه اصل تعیین‌کننده انتخاب رشته است. کلیات هدایت تحصیلی صرفاً به میزان دو رقم ۳۵ و ۶۵ درصد برای ملاک انتخاب رشته بسنده کرده است و نقش و اهمیت بخش خوداظهاری چندان جا افتاده نیست. نکته دیگر در شکل‌گیری این ایده در اذهان مشاوران و دانش‌آموزان می‌تواند این باشد که خروجی مشخصی از میزان تأثیربخش ۶۵ درصد هدایت تحصیلی به رؤیت دانش‌آموزان نرسیده و حتی خود مشاوران نیز به آن بی‌اعتنا هستند.

یکی دیگر از مقولات حاصل شده، عملکرد مشاور از باور تا ناباوری بود. این مقوله شامل ۱۲ مؤلفه بود: «سرزنش مشاور، بی‌اعتقادی مشاور، کاغذبازی برگه و فرم مشاور، کلی‌گویی مشاور، القای منفی مشاور، تداخل نقش‌های مشاور، دو شقی کار مشاور، تقلیل وظایف مشاور، تقویت اختیارات مشاور، تعیین‌کننده معیوب و نبود راهنمای متخصص». این یافته با نتایج ضمنی تحقیقاتی مانند نویدی (۱۳۹۶)، سالاری (۱۳۸۴) و ادواردز^{۱۰} (۲۰۰۹) سازگار است. مشاور بنا بر ماهیت کار خود نقشی مهم در هدایت دانش‌آموزان، خاصه انتخاب رشته، دارد. چنانچه مشاور در کار خود از تخصص لازم و علاقه زیاد برخوردار باشد، می‌تواند بسیاری از تنگناها و مشکلات دانش‌آموزان هدف را برطرف کند (سایت مشاوران مدرسه^{۱۱}، ۲۰۱۸). با وجود این باید اشاره کرد، در برخی موارد، بنا بر محدودیت‌ها، برخی مشاوران از نیروهایی غیر از رشته تخصصی و به‌طور عمده از نیروهای پرورشی هستند. همین موجب شده است اهمیت کار مشاور تحت‌الشعاع قرار گیرد.

یافته دیگر، القائات ناهمگون بود که مفاد آن بر تأثیرگذاری بیشتر از مراجع دیگر مانند دوستان و آشنایان در فرایند انتخاب رشته حکایت داشت. این یافته با نتایج پژوهش دکابی (۱۳۸۷) که نتیجه گرفته بود پاسخ‌گویان با وجود اذعان به ضرورت حضور مشاوران در مدرسه، نقش حمایتی و مشاوره‌ای آنان را چندان چشمگیر ندانسته‌اند همسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، در شرایطی که مشاوران نقش اصلی و حمایتی خود را به‌درستی ایفا نکنند، منابع متعدد دیگری برای اثرگذاری بر هدایت تحصیلی دانش‌آموزان شکل می‌گیرند. مشاور منفعل و کم‌تحرك موجب کاهش سهم مشاور در هدایت تحصیلی و افزایش سهم بیرونی‌ها در هدایت تحصیلی دانش‌آموز می‌شود. لذا وقتی مشاور چنین بستری برای دانش‌آموز فراهم نکند، مراجع تأثیرگذار در هدایت تحصیلی دانش‌آموز متنوع می‌شوند و همین می‌تواند دانش‌آموز را در معرض تصمیمات نادرستی قرار دهد.

انجام هم‌زمان پژوهش کیفی و کمی با دشواری‌های زیادی از جمله انجام مصاحبه و تهیه پرسشنامه و رفت‌وبرگشت‌های زیاد به نتایج همراه است. کم‌پاسخگویی به سؤالات مصاحبه، دشواری جلب رضایت مشارکت‌کنندگان برای ضبط متن مصاحبه‌ها و نبود امکان مطالعه جنسیت به خاطر محدودیت‌های دسترسی به دانش‌آموزان دختر، از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بودند. با وجود پیشنهاد می‌شود محققان آینده هدایت تحصیلی را از منظر جنسیت نیز مورد مطالعه قرار دهند. پیشنهاد دیگر این است چون فقط حدود یک‌سوم دانش‌آموزان در زمان انتخاب رشته از دانش و اطلاعات زیادی برخوردار بودند، باید در طول سال تحصیلی میزان اطلاعات و دانش مربوط به رشته‌های موجود را افزایش داد و آشنایی با رشته‌های تحصیلی باید از پایه هفتم شروع شود تا دانش‌آموزان فرصت لازم را برای کسب معلومات داشته باشد. یافته‌ها نشان داد، مشاوران نسبت به طول سؤالات آزمون‌های رغبت سنج ناخرسند بودند بنابراین، مجریان امر باید تمهیداتی بیندیشند که فرم‌های رغبت‌سنج و استعدادسنج کوتاه‌تر و مطلوب‌تر شوند.

منابع

- ابراهیمی مقدم، ندا، صمدی، بیتا و شریفی، اصغر (۱۳۹۶). شناسایی دلایل تمایل و عدم تمایل دانش‌آموزان به انتخاب رشته هنر، مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر پایه اول متوسطه منطقه ۲ شهر تهران. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۳(۲)، ۱۷۴-۱۵۳.
- احمدی، سید احمد (۱۳۸۷). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. اصفهان: مشعل.
- بهنام‌فر، رضا، ضامنی، فرشیده و عنایتی، ترانه (۱۳۹۴). تأثیر عدم رضایت از رشته تحصیلی بر رفتار سکوت کلاسی، دو ماهنامه علمی پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۸(۳)، ۱۴۹-۱۴۵.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران موسسه انتشارات آگاه.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۳). نقش خانواده‌ها در هدایت شغلی فرزند و شکل‌دهی به هویت کاری او (مورد: بررسی الگوهای ترجیحات شغلی والدین). مجله کار و جامعه، ۵۶(۱۳۸۳)، ۳۹-۲۷.
- رضایپور میر صالح، یاسر، شسقای، مریم و براتی، سمیه (۱۳۹۵). بررسی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان از منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۵(۶۰)، ۸۳-۶۰.
- زندوانیان نائینی، احمد (۱۳۸۵). مقایسه تطبیقی عملکرد تحصیلی فارغ‌التحصیلان نظام جدید آموزشی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- سالاری، علی (۱۳۸۴). بررسی نگرش دانش‌آموزان سال اول نظام جدید آموزش متوسطه و والدین آن‌ها نسبت به شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش، کارشناسی تحقیقات آموزش و پرورش خراسان رضوی.
- شفیق‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۹). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی، تهران، انتشارات سمت.
- شریفی، بهمن، نیازآذری، کیومرث و جباری، نگین (۱۳۹۹). ارائه مدل هدایت تحصیلی کارآمد دانش‌آموزان؛ مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۱۰(۳۹)، ۶۴-۴۵.
- طباطبایی، فاطمه (۹ آذر ۱۳۹۷). مسئولان آموزش و پرورش درباره جزئیات طرح هدایت تحصیلی و اعتراض خانواده دانش‌آموزان به همشهری توضیح می‌دهند، قابل‌بازیابی در سایت همشهری، <http://newspaper.hamshahri.org/id/۳۹۹۱۴>
- نیازی، محسن، عقیقی، محمد، سلیمان‌نژاد، محمد و رازقی، مله، هادی (۱۳۹۷). ترجیحات انتخاب رشته دانش‌آموزان ورود به دوره متوسطه دوم بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP). فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۸(۳۲)، ۱۴۳-۱۶۲.
- نظری، الناز، محمدی، فاطمه و حاتمی، حسین (۱۳۸۹). ارائه راهبردهایی برای هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سیرجان، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱(۳)، ۱۳۰-۱۱۷.
- نیازآذری، کیومرث، شریفی، بهمن و جباری، نگین (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای دستیابی به هدایت تحصیلی کارآمد دانش‌آموزان در نظام آموزشی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱(۴۱)، ۱۳۵-۱۵۸.
- نویدی احد (۱۳۹۷). هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالش‌های پایدار، فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت، ۳۴(۱)، ۳۴-۹.
- مرادی، انسیه؛ اخوان تفتی، مهناز (۱۳۹۲). بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۹(۲۸)، ۱۳۹-۱۲۲.
- Araujo, A., Taveira, M. C., Silva, A. D., Mota, A. I., Marques, C. (2012). A shared agenda for career education and citizenship education in Portuguese schools. In Proceedings of the 6th International Technology, Education and Development Conference (pp. 3698-3703).
- Creswell, John W. (2009). Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches. 3rd Edition. Los Angeles: Sage Publications.
- Cernicova, M., & Palea, A. (2014). Measuring the Students' Perception Chosen Profession. Case Study: PR Students in Western Romania. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 116(2014), 2825-2831.
- Crookston, B. B. (1972). A developmental view of academic advising as teaching. Journal of College student

- Personnel,4(13),12-17.
- Erlich, R. J., & Russ-Eft, D. F. (2012). Assessing academic advising outcomes using social cognitive theory: A validity and reliability study. *NACADA Journal*, 32(2), 68-84.
 - Giustinelli, P., & Pavoni, N. (2017). The evolution of awareness and belief ambiguity in the process of high school track choice. *Review of Economic Dynamics*, 25(12), 93-120.
 - Hoque, j. (2018). Vocational Interests of secondary school of student in relation to their level of aspiration, *International Journal of Research in Social Sciences*, 8(4), 793-803
 - Lazarus, K., Mohammed, O., & Adigun, O. (2013). Family and teacher factors as determinant of career decisions among adolescents with hearing impairment in Ogun State, Nigeria. *Journal of Education and Practice*, 4(10), 161-168.
 - Owens, M. R. (2015). Student perceptions of academic advisor effectiveness and student success: Factors that matter (Doctoral dissertation, Eastern Illinois University).
 - Okwulehie, M. Eremie C. (2018). Factors Affecting Career Choice among Senior Secondary School Students in Obio/Akpor Local Government Area of Rivers State (Implication to Counselling).
 - Perry,Justin; Liu,Xiongyi & Pabian,Yvona. (2010).School Engaement as a Mediator of Academic Performance Among Urban Youth: The Role of Career Preparation, Parental Career Support, and Teacher Support. *SAGE Journals TCP Counseling Psychologist*.
 - Quinter, M. & Edvards, K. (2011). Factors Influencing Students Career Chices Among Secondary School Students in Kisumu Municipality, Kenya. *Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies*. 2(2), 81-87.
 - Smith, C. L., & Allen, J. M. (2014). Does contact with advisors predict judgments and attitudes consistent with student success? A multi-institutional study. *NACADA Journal*, 34(1), 50-63.
 - Sawitri, D. R., Creed, P. A., & Zimmer-Gembeck, M. J. (2014). Parental influences and adolescent career behaviours in a collectivist cultural setting. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 14(2), 161-180.
 - Udoh, N. A., & Sanni, K. B. (2012). Parental background variables and the career choice of secondary school students in uyo local government area, Nigeria. *Mediterr J Soc Sci*, 3(1), 497-504.
 - Wingfield, R. J., Reese, R. F., & West-Olatunji, C. A. (2010). Counselors as Leaders in Schools. *Florida Journal of Educational Administration & Policy*, 4(1), 114-130.
 - Young-Jones, A. D., Burt, T. D., Dixon, S., & Hawthorne, M. J. (2013). Academic advising: Does it really impact student success? *Quality Assurance in Education*, 21(1), 7-19.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|--|
| <ol style="list-style-type: none"> 1. Owens 2. Crookston 3. Young 4. Erlich & Russ- Eft 5. Smith & Allen 6. Okwulehie & Eremie 7. Hoque 8. Giustinelli & Pavoni 9. Cernicova & Palea 10. Sawitri, Creed & Zimmer-Gembeck 11. Udoh 12. Wingfield, Reese & West-Olatunji | <ol style="list-style-type: none"> 13. Perry, Liu & Pabian 14. Mixed 15. Creswell 16. purposive sampling 17. منظور از ایفای نقش این بود که دانش‌آموز خودخواسته یا دگرخواسته فرم نظرخواهی مربوط به اولیا را حداقل با اطلاع یا حداکثر بدون اطلاع اولیا تکمیل و به مدرسه تحویل داده بود. از همین ایفای نقش والدین توسط فرزند برای تعبیر ایفای نقش در این موضوع استفاده شد. 18. Lazarus, Mohammed & Adigun 19. Araujo, Taveira, Silva, Mota & Marques 20. Edvards 21. School counselor site |
|--|--|